

همایش ملی ایران در مسیر توسط اتاق بازرگانی اصفهان برگزار شد

# اقتصاد چشم به راه روزهای روشن

همایش ملی «ایران در مسیر» به همت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان برگزار شد؛ مقصود فراستخواه، علی دینی‌ترکمانی، محمد گوهریان، مهدی طیفانی، عباس حاتم‌ی و رحمان قهرمان‌پور شش صاحب‌نظر اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل درباره آینده ایران و تصمیم‌گیری اقتصادی سخن گفتند. محور اصلی همایش «ایران در مسیر» شناخت شرایط موجود، بررسی روندهای اثرگذار بر آینده و گفت‌وگو درباره تصمیم‌هایی بود که فعالان اقتصادی و بنگاه‌ها باید در مواجهه با آینده اتخاذ کنند. بر گزار کنندگان این رویداد، سه پرسش «چرا چنین شد؟»، «چه کجا می‌رویم؟» و «چه باید کرد؟» را مبنای گفت‌وگوها قرار دادند.

**تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران فرایندهای ناکارآمد را اصلاح کنند**

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان در حاشیه این همایش ملی با انتقاد از چالش‌های پیش‌روی فعالان اقتصادی و فرصت محدود کشور برای اصلاح فرایندها، بخش خصوصی و صحت‌مگران را از میهن‌دوست‌ترین اقشار جامعه دانست و بر ضرورت تصمیم‌گیری‌های فوری، شجاعانه و تمرکز بر رفع موانع داخلی تولید تأکید کرد. امیر کشانی با اشاره به جایگاه فعالان اقتصادی و دغدغه‌مندی آنان نسبت به آینده کشور گفت: فعالان بخش خصوصی علاوه بر توجه به مسائل و چالش‌های کلان، دغدغه محاسبت علمی و توسه‌ای را نیز دارند و می‌توان آن‌ها را از وفادارترین و میهن‌دوست‌ترین گروه‌ها به کشور دانست؛ افرادی که تمام توان و سرمایه خود را برای پیشرفت و آبادانی ایران به میدان آورده‌اند و با بیان اینکه اقتصاد نیازمند اصلاح ساختارها و سیاست‌گذاری‌های اصولی است، افزود: مشکل امروز ما کمبود پتانسیل اقتصادی نیست، بلکه مسئله اصلی در نحوه سیاست‌گذاری، مدیریت فرایندها و هدایت فعالیت‌های اقتصادی برای افزایش ثروت ملی نهفته است. اگر به دنبال خروج از شرایط فعلی هستیم، تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران باید فرایندهای ناکارآمد را اصلاح و فضا را برای بهررویی بیشتر مهیا کنند. رئیس اتاق بازرگانی اصفهان با هشدار نسبت به در دست رفتن زمان تصریح کرد: کشور فرصت چندانی برای تملل ندارد و ما نیازمند اتخاذ تصمیمات بزرگ،ه فوری و اثرگذار از سوی حاکمیت هستیم؛ تملل در اجرای اصلاحات ساختاری، آینده اقتصادی کشور را با چالش‌های جدی مواجه خواهد کرد و با ارائه راهکارهای سه‌گانه رای بر رونق افت از وضعیت کنونی خاطرنشان کرد: در وهله نخست باید نگاه جامعه و مسئولان نسبت به فعالان اقتصادی اصلاح شود و بار مشکلات زیرساختی نظیر ناترازی انرژی و کسری بودجه بر دوش تولید کنندگانی که پای کشور ایستاده‌اند، انداخته نشود. کشانی در ادامه یادآور شد: دموین گام اساسی، حفظ جریان تولید و روشن نگه‌داشتن چراغ کارخانه‌ها به هر قیمت ممکن است؛ چرا که استمرار فعالیت خطوط تولید و تسهیل واردات مواد اولیه، ضامن صیات از سرمایه‌ها و حفظ اشتغال خواهد بود. او همچنین رفع خودتجربیم‌ها را اولویت پائینی اما بسیار حیاتی دانست و گفت: در گام سوم باید تمام توان خود را برای به‌اثر کردن تحریم‌های خارجی به کار بگیریم و اقتصاد کشور را از قید و بند تحریم‌های طاق‌غرفسای داخلی آزاد کنیم؛ زیرا آسیب‌های ناشی از موانع و بوروکراسی داخلی به مراتب مهلک‌تر و سنگین‌تر از فشارهای بیرونی است.

**توسعه نهادهای بدون امنیت اقتصادی هرگز ممکن نیست**

علی دینی‌ترکمانی، اقتصاددان و عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگان در این همایش گفت: توسعه نهادهای بدون امنیت اقتصادی هرگز ممکن نیست؛ او ناامنی اقتصادی در ایران، به‌ویژه برای دختران و گروه‌های آسیب‌پذیر، را مانع نهادهای پایدار

دانست و رقابت نظامی پرهزینه را قربانی‌کننده نیازهای رفاهی مردم معرفی کرد.علی دینی ترکمانی در اجلاس ملی «ایران در مسیر»؛ با طرح پرسش از معنای وطن گفت تعریف رایج از وطن فراگیر نیست؛ به باور او، وطن تنها یک سرزمین یا حاکمیت خاص نیست؛ وطن ملک مشاع همه مردمان، همه ملیت‌ها، همه باورها و ادیان در این مرز و بوم است. اگر چنین تعریفی پذیرفته شود، رفتارها و قضاوت‌های اجتماعی نیز باید بر همان اساس سنجیده شود. او این نکته را مقدمه‌ای برای تحلیل وضعیت امروز ایران و شکاف‌های اجتماعی دانست. این پژوهشگر اقتصاد توسعه با اشاره به دو موقعیت تاریخی متفاوت در فوتبال گفت: در یک مقطع، برد یا باخت تیم ملی واکنش بخشی از جامعه را برمی‌انگیزد و در مقطع دیگر، همان رویداد احساسات متفاوتی ایجاد می‌کند. خود او در تهران شاهد بوده که مردم خودرویش را بالا بردند و او ترسید خودرو واژگون شود. پرسش او این بود که چرا مردم خطر را دوست ندارند؟ پاسخ او این بود که مردم خواهان جوشش، حضور و وجود داشتن هستند؛ اما شرایط تاریخی و نهادهای می‌تواند این جوشش را به شکل‌های مختلف هدایت کند. او ناامنی را یکی از پدیده‌های بخش اقتصاد ایران خواند و گفت این ناامنی به‌ویژه برای دختران و گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر سنگین‌تر است. او با انتقاد از خشونت و محبوسیت‌هایی که با پهنه‌هایی مانند موبایل یا حضور در فضاهای عمومی اعمال می‌شود، خواستار توجه به امنیت انسانی و اقتصادی شد. به گفته او، بدون امنیت پایدار، سرمایه اجتماعی، مشارکت و توسعه نهادهای آسیب می‌بیند و جامعه نمی‌تواند از ظرفیت‌های خود استفاده کند؛به گفته او، اقتصاد ایران با شرایط موجود حتی نمی‌تواند وارد رقابت نظامی با عربستان سعودی شود، مگر آنکه پایه تولید و بهررویی بهشدت بالا برود. اگر سهم بزرگی از تولید ناخالصی داخلی صرف هزینه‌های نظامی شود نیازهای رفاهی مردم تأمین نمی‌شود و جامعه با بحران مشروعیت و نارضایتی روبرو می‌شود. او تأکید کرد نظام و جامعه باید ابتدا نیازهای رفاهی، اشتغال، مسکن و امنیت اقتصادی مردم را در اولویت قرار دهند. او درباره تحولات منطقه نیز هشدار داد و گفت اگر کالایی در عمق خاک عمان حفر شود و مسیر ترانزیت کالا و انتقال گاز از امارات و عمان تغییر کند، ایران بهشدت تحت تأثیر منفی قرار می‌گیرد. به گفته او، تصاویر ماهواره‌ای می‌توانند چنین طرحی را آشکار کنند و در صورت بازگشت شرایط عادی، زیرساخت‌های آن استانداردهای و تکمیل خواهد شد. این طرح می‌تواند موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی ایران را تضعیف کند. او با تأکید بر توسعه نهادهای گفت تعریف فراگیر وطن، امنیت اقتصادی و پرهیز از رقابت‌های پرهزینه نظامی سه شرط اصلی برای عبور از وضعیت کنونی است. به باور او، آینده ایران به توانایی جامعه در ساختن نهادهای فراگیر و تأمین رفاه همه مردم وابسته‌است.

**تدلیلماسی هوشمندانه و ضرورت آشتی ملی**  
مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس و پژوهشگر توسعه، با آسیب‌شناسی وضعیت فعلی کشور، بر ضرورت تغییر رویکرد سیاست‌گذاران و بازگشت به «عالمیت» در سطح جامعه تأکید کرد. فراستخواه در تحلیل جدید خود از وضعیت ایران، ریشه‌های اصلی چالش‌های کنونی کشور را در نوعی انسداد ساختاری می‌بیند. که حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را همزمان درگیر کرده است. او بر این باور است که جامعه ایران هم‌اکنون با وضعیتی مواجه است که در آن آگاهی وجود دارد اما این آگاهی با عملکردی اخلاقی همراه نیست. از نگاه او، مانع اصلی در مسیر تصمیم‌گیری‌های کلان، نوعی تصورات ذهنی است که ریشه در برداشت‌های نادرست از جهان و جایگاه ایران در آن دارد. این تصورات نه تنها مانع پیشرفت شده، بلکه منجر به رانده شدن جامعه به سمت حواشی شده است. فراستخواه معتقد است که باید با نقد این تصورات سیاه و غیرواقعیتانه، نسبت به تبعات طولانی‌مدت آن هشدار داد و پیش از آنکه این انسداد به یک وضعیت نظامی با امنیتی پایدار تبدیل شود،

مسیر را اصلاح کرد

**تظهور کنش‌سگران مرزی به جای انتظار برای معجزه**

فراستخواه با نقد صریح رویکرد انتظار برای «معجزه» یا تغییرات خودبیهودی، تأکید کرد که هیچ‌کس جز عاملیت‌های داخلی قادر به نجات کشور نیست. او در این بخش با اشاره به مفهوم کنش‌سگران مرزی، عنوان کرد که سیاست‌گذاران باید از رویکرد تقلبلی دست بردارند. از دیدگاه او، وقتی سیاست‌گذاران در مسیرهای ساختاری مختلف جامعه، فضای تنفس ایجاد می‌کنند، این جامعه که به دچار لگنت می‌شوند، این کنش‌سگران مرزی هستند که در لایه‌های مختلف جامعه، فضای تنفس ایجاد می‌کنند. این جامعه که به درون حواشی رانده شده، همچنان ظرفیت‌های نهفته‌ای برای بازیابی دارد. این پژوهشگر تأکید کرد که عاملیت‌های داخلی باید مسئولیت‌پذیری را جایگزین انفعال کنند و در ساختار قدرت، نقشی ایفا کنند که فراتر از کلیشه‌های رایج باشد. در بخش دیگری از این تحلیل، فراستخواه بر ضرورت تغییر در رویکردهای بین‌المللی و ملی تأکید کرد. او بیان کرد که ایران برای ماندگاری در فضای جهانی، نیازمند «جهان‌داری» است نه «جهان‌گریزی». این مهم تنها از طریق دیپلماسی هوشمندانه و تکنیک‌های نوین مذاکره سیاسی محقق می‌شود. وی تصریح کرد که در سطح ملی نیز، کشور نیازمند آزادسازی ثروت ملی و میدان دادن به تولید کنندگان، صنعتگران و فعالان بخش خصوصی است. به باور فراستخواه، بسترسازی برای آشتی ملی، پیش‌شرط عبور از بحران‌های اقتصادی است. او سیاست‌گذار عمومی را خطاب قرار داد و گفت که چهار عمل اصلی سیاست‌گذاری، نه در تقلیل با سرمایه و تولید، بلکه در گروی مشارکت دادن زنجیره‌ای استعداده‌ها و سرمایه‌های انسانی است. که اکنون به دلیل فقدان‌های موجود، ترجیح به مهاجرت می‌دهند. فراستخواه با اشاره به تجربه تاریخی ایران، نیاز به یک روایت جدید را حیاتی دانست. او گفت که ایران به یک «استان» نیاز دارد؛ داستانی که نه فقط شکست‌ها، بلکه روایتگر پیروزی‌های ملی باشد. این داستان باید امید را در دل انسان‌ها زنده کند و دیوارها را به پل‌های ارتباطی تبدیل نماید. او معتقد است که نباید منتظر پهبود خودبیهودی شرایط بود؛ چرا که عاملیت‌ها هستند که می‌توانند معجزه کنند. وی با تأکید بر نقش طبقه متوسط، خاطرنشان کرد که این طبقه همواره منبع اصلی اعتماد و مشارکت اجتماعی در ایران بوده است و بازگشت به آن، کلید اصلی جابجایی‌های ساختاری است. در پایان، این جامعه‌شناس با هشدار نسبت به تکرار اشتباهات تاریخی، تولید اعتماد اجتماعی را مقدم بر فراهم کردن اقتصادی دانست

و اپراز امیدواری کرد که با تکیه بر ظرفیت‌های مدنی، فرصت‌های تازه برای تولید و کسب‌وکار در ایران پدیدار شود

**تملت موقعیت اتاق اصفهان**

دبیرکل اتاق بازرگانی اصفهان در اجلاس ملی «ایران در مسیر»؛ خوبیه‌خودی، تأکید کرد که هیچ‌کس جز عاملیت‌های داخلی قادر به نجات کشور نیست. او در این بخش با اشاره به مفهوم کنش‌سگران مرزی، عنوان کرد که سیاست‌گذاران باید از رویکرد تقلبلی دست بردارند. از دیدگاه او، وقتی سیاست‌گذاران در مسیرهای ساختاری مختلف جامعه، فضای تنفس ایجاد می‌کنند، این جامعه که به درون حواشی رانده شده، همچنان ظرفیت‌های نهفته‌ای برای بازیابی دارد. این پژوهشگر تأکید کرد که عاملیت‌های داخلی باید مسئولیت‌پذیری را جایگزین انفعال کنند و در ساختار قدرت، نقشی ایفا کنند که فراتر از کلیشه‌های رایج باشد. در بخش دیگری از این تحلیل، فراستخواه بر ضرورت تغییر در رویکردهای بین‌المللی و ملی تأکید کرد. او بیان کرد که ایران برای ماندگاری در فضای جهانی، نیازمند «جهان‌داری» است نه «جهان‌گریزی». این مهم تنها از طریق دیپلماسی هوشمندانه و تکنیک‌های نوین مذاکره سیاسی محقق می‌شود. وی تصریح کرد که در سطح ملی نیز، کشور نیازمند آزادسازی ثروت ملی و میدان دادن به تولید کنندگان، صنعتگران و فعالان بخش خصوصی است. به باور فراستخواه، بسترسازی برای آشتی ملی، پیش‌شرط عبور از بحران‌های اقتصادی است. او سیاست‌گذار عمومی را خطاب قرار داد و گفت که چهار عمل اصلی سیاست‌گذاری، نه در تقلیل با سرمایه و تولید، بلکه در گروی مشارکت دادن زنجیره‌ای استعداده‌ها و سرمایه‌های انسانی است. که اکنون به دلیل فقدان‌های موجود، ترجیح به مهاجرت می‌دهند. فراستخواه با اشاره به تجربه تاریخی ایران، نیاز به یک روایت جدید را حیاتی دانست. او گفت که ایران به یک «استان» نیاز دارد؛ داستانی که نه فقط شکست‌ها، بلکه روایتگر پیروزی‌های ملی باشد. این داستان باید امید را در دل انسان‌ها زنده کند و دیوارها را به پل‌های ارتباطی تبدیل نماید. او معتقد است که نباید منتظر پهبود خودبیهودی شرایط بود؛ چرا که عاملیت‌ها هستند که می‌توانند معجزه کنند. وی با تأکید بر نقش طبقه متوسط، خاطرنشان کرد که این طبقه همواره منبع اصلی اعتماد و مشارکت اجتماعی در ایران بوده است و بازگشت به آن، کلید اصلی جابجایی‌های ساختاری است. در پایان، این جامعه‌شناس با هشدار نسبت به تکرار اشتباهات تاریخی، تولید اعتماد اجتماعی را مقدم بر فراهم کردن اقتصادی دانست



و ۶۰ درصد عنوان می‌شود. او بیان کرد: دولت باید از تصدی‌گری اقتصاد خارج شود و سیاست‌گذاری را به جای بنگاهداری در دست بگیرد. اگر اتاق‌ها و بخش خصوصی در کنار قوای سه‌گانه به اجماع برسند، مسیر خروج پول از اقتصاد دولتی و تقویت کارآفرینی هموار می‌شود. ما باید باور کنیم که توسعه اقتصادی با حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، شفافیت و مشارکت همه جانبه ممکن است. امیدان گفت: دست در دست هم می‌توان میهن را آباد کرد و اتاق بازرگانی اصفهان آماده است با مشارکت سایر اتاق‌ها، دولت، قوه قضائیه و قانونگذاران، نقش پیشران خود را در توسعه اقتصادی ایفا کند و تجربه موفق خود را در اختیار دیگر استان‌ها قرار دهد.

**تانتقاد از توهم توانایی دولت در خلق پول و مدیریت قیمت‌ها**

محمد گوهریان، کارشناس مسائل اقتصادی هم با انتقاد از توهم توانایی دولت در خلق پول و مدیریت قیمت‌ها گفت: تورم نتیجه چاپ کاغذ و انحصار است و تنها راه نجات، بازآفرینی بخش خصوصی واقعی و سیردن بازار به کارآفرینان کوچک و ادامه این روند به زیان مردم است. گوهریان، در اجلاس ملی «ایران در مسیر» در تازه‌ترین تحلیل خود درباره وضعیت اقتصاد ایران با انتقاد از سیاست‌های پولی و انحصار دولتی گفت: ما دچار یک توهم شدیم؛ توهم اینکه دولت میتواند با چاپ کاغذ، ثروت بسازد و با تعیین قیمت، بازار را مدیریت کند. این کارشناس مسائل اقتصادی افزود: تجربه کشورهای مختلف نشان داده پولی که پشتوانه تولید و اعتماد ندارد، در نهایت به تورم و بیثباتی منجر میشود. وی با اشاره به بخش‌های تاریخی کاغذ و انحصار دولتی، در جمله جان مینارد کینز و لودویگ فون میزس، توضیح داد: برخی دولتی تصور میکنند میتوانند با خلق پول، رکود را درمان کنند؛ اما پرسش اصلی این است که در بلندمدت چه اتفاقی می‌افتد؟به گفته گوهریان، وقتی عده‌ای کاغذ چاپ میکنند و آن را دارایی مینامند، بدون آنکه پشت آن تولید، سرمایه و اعتبار باشد، نتیجه چیزی جز کاهش ارزش پول و انتقال هزینه به مردم نیست. این کارآفرین با تأکید بر اینکه تورم امروز فقط یک عدد نیست، افزود: تورم یعنی از بین رفتن سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد مردم به آینده و گسترش بی‌عالتی‌پو یادآور شد در تجربه آلمان پس از جنگ و بحران‌های پولی، قیمت‌ها گاه روزانه تغییر میکرد و مردم باید به‌سرعت حقوق خود را به کالا تبدیل میکردند. در چنین شرایطی، دولت دیگر نمیتواند با انکا به سرمایه اجتماعی، هزینه‌ها را مدیریت کند. گوهریان گفت: مشکل ما این است که کتاب کم می‌خوانیم و به جای بررسی تجربه‌های موفق و ناموفق، به شعارهای اقتصادی

